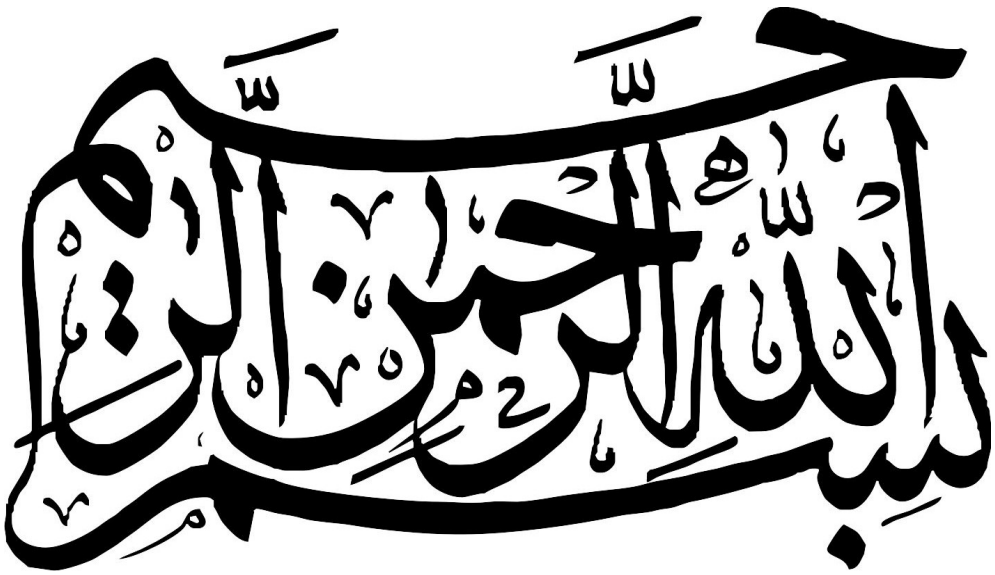
بسم الله الرحمن الرحيم

"کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری،اقتباس و ... این پایان‌نامه، متعلق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوءاستفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است."

**دانشگاه بیرجند**

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی**

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

# رمان پژوهشی

# در آثار محمد محمدعلی

استاد راهنما:

دکتر اکبر شامیان ساروکلایی

استاد مشاور:

دکتر مرادعلی واعظی

نگارنده:

فاطمه شکیبا

تیرماه ۱۳۹۰

**تقدیر و تشکر**

پروردگارا تو را سپاس می‌گویم که به من توفیق تحصیل علم عطـا فرمـودی و افـرادی شایسـته و دلسوز را در مسیر زندگی من قرار دادی تا امر تحصیل برایم آسان شود.

از مادر خوبترینم که همیشه‌ی راه بهترین یاور من هستند؛

از پدر مهربانم که مایه‌ی دلگرمی منند؛

از همسر عزیزم که با صبوری بسیار راه را برایم هموار کردند؛

و از زحمات بی‌دریغ خانمها: فاطمه نظری، سارا شکیبا و سمیه عالم‌زاده

**تا همیشه‌ی عمر سپاسگزارم و زحمت‌هایشان را ارج می‌نهم**

## چکیده

رمان نوع ادبی جدیدی است که از قرن هفدهم م. وارد دنیای ادبیات شد و به تدریج گونه‌های مختلفی یافت. محمد محمدعلی که از نویسندگان مطرح ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، در سال ۱۳۸۲.ش نوع تازه‌ای از رمان را با نام رمان پژوهشی مطرح کرده است.«آدم و حوا»، «مشی و مشیانه»، «جمشید و جمک» سه رمان اخیر اوست که بدان‌ها سه‌گانه‌ی روز اول عشق گفته و آن‌ها را رمان پژوهشی خوانده است. رمان‌های سه‌گانه‌ی روز اول عشق، چنانکه از نام آن‌ها پیداست به زندگی نخستین انسان‌ها و نخستین پادشاهان از نگاه روایت‌های اسلامی، سامی و آریایی می‌پردازد. رمان‌های سه‌گانه با رمان‌های تاریخی و اسطوره‌ای پیوند یافته، اما برخی ویژگیهای آن مختص همین رمان‌هاست. محمدعلی در نوشتن این رمان‌ها ضمن حفظ عناصر رمان، به استفاده از بن‌مایه‌ها و ابزارهایی همچون اسطوره، خواب و رؤیا، عشق و شعر روی آورده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این رمان‌ها استفاده‌ی نویسنده از منابع پژوهشی مشخص و ذکر این منابع در پایان رمان است. استفاده از زبان سنتی کتابهای منبع و تلفیق آن با زبان محاوره و نیز درج پانوشت و پی‌نوشت از دیگر خصوصیات این رمان‌هاست. محمدعلی با استفاده از چنین ویژگی‌هایی برآن است تا رمان را با پژوهش تلفیق کند و به قول خودش نوع تازه‌ای به نام رمان پژوهشی بیافریند. البته نوشتن چنین رمانی علاوه‌بر دشواری‌های امر پژوهش، قدرت تخیل نویسنده را محدود می‌کند. نویسنده باید تخیلش را در مسیری که از قبل در پژوهش خود تعیین کرده به کار گیرد.



**واژه های کلیدی**: رمان پژوهشی، محمد محمدعلی، آدم و حوا، مشی و مشیانه، جمشید و جمک.

## فهرست مطالب


مقدمه ---------- ۹

**۱. کلیات وتعاریف** ---------- ۱۲

۱-۱. تعریف رمان ---------- ۱۲

۱-۲. پیدایش رمان ---------- ۱۴

۱-۳. انواع رمان ---------- ۱۶

۱-۴. عناصر داستان ---------- ۱۹

۱-۵. محمد محمدعلی ---------- ۲۰

۱-۶. رمان‌های سه‌گانه‌ی روز اول عشق ---------- ۲۴

**۲. عناصر داستان در رمان‌های سه‌گانه‌ی روز اول عشق** ---------- ۲۷

۲-۱. شخصیت ---------- ۲۷

۲-۲. زاویه‌ی دید ---------- ۴۸

۲-۳. زبان ---------- ۶۲

۲-۴. زمان و مکان ---------- ۶۵

**۳. ویژگی‌های رمان‌های سه‌گانه‌ی روز اول عشق** ---------- ۷۲

۳-۱. اسطوره ---------- ۷۲

۳-۲. خواب و رؤیا ---------- ۸۴

۳-۳. عشق ---------- ۸۸

۳-۴. شعر ---------- ۹۲

۳-۵. پی‌نوشت و پانوشت ---------- ۹۷

۳-۶. منابع رمان ---------- ۹۸

**۴. بازشناخت رمان پژوهشی** ---------- ۱۲۷

۴-۱. ادبیات و علم ---------- ۱۲۷

۴-۲. تعریف رمان پژو هشی ---------- ۱۳۱

۴-۳. پیوند رمان پژوهشی با انواع دیگر رمان ---------- ۱۳۵

**۵. جمع‌بندی** ---------- ۱۴۰
۵-۱. نتیجه ---------- ۱۴۰
۵-۲. پیشنهاد ---------- ۱۴۲
**فهرست مآخذ** ---------- ۱۴۴

## مقدمه

**محمد محمدعلی** از نویسندگان مشهور ایران پس از انقلاب اسلامی است که نخستین مجموعه‌ی داستانی خود را با نام *دره‌ی هند آباد گرگ داره* درسال ۱۳۵۴منتشر کرد. *از ما بهتران* و *بازنشستگی* مجموعه داستان‌های بعدی اوست. در سال ۱۳۷۰داستان بلند *رعد و برق بی باران* را نوشت و در همان سال رمان *نقش پنهان* را نیز به چاپ رساند که البته در سال ۱۳۸۰ با ویرایشی مجدد آن را منتشر کرد. *باورهای خیس یک مرده*، *برهنه در باد* و *قصه‌ی تهمینه* از دیگر رمان‌های او می‌باشد.

محمدعلی در سال ۱۳۸۲ رمان *آدم و حوا* را منتشر کرد وآن را رمان پژوهشی نامید. به دنبال آن رمان جمشید و جمک را در سال ۱۳۸۳ و رمان *مشی و مشیانه* را در سال ۱۳۸۶ با همین عنوان منتشر کرد. **هدف** از این پژوهش، بررسی همین سه رمان اخیر مشهور به سه‌گانه‌ی روز اول عشق است که نویسنده‌اش مدعی است نوع تازه‌ای از رمان در ادبیات داستانی ایران شمرده می‌شود. نگارنده‌ی این رساله می‌کوشد ویژگی‌های مختص این رمان را بررسی کند و پیوندش را با برخی دیگر از انواع رمان آشکار سازد. سخن بر سر آن است که آیا می‌توان این رمان‌ها را در نگاه نخست رمان نامید و اگر چنین است با امر پژوهش چه پیوندی دارد؟

**سؤالات** اساسی در این تحقیق عبارت است از:

۱- رمان پژوهشی چه تعریفی دارد؟

۲- ویژگی‌ها و عناصر رمان پژوهشی چیست؟

۳- مشخصه‌های رمان پژوهشی در کدام گونه‌های رمان مشهود است؟

۴- ساختار رمان پژوهشی در آثار نویسندگان پیش از محمدعلی، بازتاب یافته است؟

**فرضیه‌های** مطرح شده در این تحقیق عبارت است از:

۱- رمان پژوهشی گونه‌ای از رمان است که مبنای آن بر تحقیقات علمی و حفظ سیر خط این نوع پژوهش‌ها در متن رمان است.

۲- بازآفرینی اساطیر، زاویه‌ی دید درونی، راویان زن، لحن ترکیبی روایت و ذکر منبع و مأخذ در پایان اثر از جمله ویژگی‌های مشخص رمان‌های پژوهشی است.

۳- رمان پژوهشی گرچه می‌تواند نوعی مستقل از رمان تلقی گردد، اما برخی ویژگی‌های آن با رمان‌های تاریخی و اسطوره‌ای پیوند نزدیکی دارد.

۴- محمد محمدعلی برای اولین بار در ایران با نوشتن رمانهای سه گانه‌ی روز اول عشق موضوع رمان پژوهشی را مطرح کرده است. گرچه ساختار رمان‌های سه گانه پیش از محمدعلی در آثار دیگری بازتاب داشته است.

درباره‌ی **پیشینه‌ی** این تحقیق می‌توان گفت: پس از آنکه محمد محمدعلی رمان‌های سه‌گانه‌اش را منتشر کرد و آن‌ها را رمان پژوهشی نامید، برخی روزنامه‌ها و مجلات ادبی نقدهایی بر این رمان‌ها نوشتند و به مصاحبه با او پرداختند.گفت‌وگوهای محسن فرجی در مجله‌ی شوکران، علیرضا پیروزان در مجله‌ی ادبیات و مصاحبه‌هایی که در شماره‌ی۱۱ مجله‌ی رودکی، سال ۱۳۸۱(ویژه‌ی محمد محمدعلی)، با نویسنده‌ی رمان‌های سه‌گانه انجام گرفته و چاپ شده است، دیدگاه‌های روشنگری در زمینه‌ی شناخت رمان پژوهشی به دست می‌دهد. شماره‌ی چهل مجله‌ی نافه نیز علاوه بر درج گفت‌وگویی با محمدعلی، مقاله‌ای از جواد اسحاقیان با نام «خوانش جمشید و جمک به عنوان رمان ادیسه‌وار» چاپ کرده است. در این مقاله مقایسه‌هایی بین شخصیت جمشید و اولیس صورت گرفته، اما در پایان دقتی در پیوند عنوان پیشنهادی رمان نشده و نتیجه‌ی دقیقی برای آن ذکر نشده است. از میان نقدهای دیگری که در روزنامه‌ها منتشر شده است مقاله‌ی خانم لادن نیکنام با نام «تو این را دروغ و فسانه مدان»، ضمیمه‌ی شماره‌ی۱۹۵۸روزنامه‌ی اعتماد در سال ۱۳۸۶، به نقد رمان مشی و مشیانه پرداخته و اشاراتی راهگشا در شناخت برخی عناصر این رمان داشته است.

گفتنی است کتاب *بررسی سیمای زن در رمان‌های محمد محمدعلی* که به سال ۱۳۸۸ منتشر شده، تنها رمان‌های نخستین محمدعلی را از دیدگاه فمینیستی بررسی کرده و به رمان‌های سه‌گانه نپرداخته است.

درباره‌ی موضوع اسطوره و رمان، مقاله‌ی «عمده‌ترین جریان‌های رمان‌نویسی معاصر در انعکاس روایت‌های اسطوره‌ای» به لحاظ پرداختن به اسطوره در رمان‌های معاصر و شناخت چند و چون کاربرد آن، تحقیقی راهگشاست. نگارندگان این مقاله ضمن اشاره به کاربرد اسطوره در رمان‌های محمدعلی، او را از رمان‌نویسانی دانسته‌اند که رویکرد پسامدرنیستی دارد و به عمد اسطوره را به چالش می‌کشد و برای بازیابی هویت انسان معاصر از آن کمک می‌گیرد (بزرگ بیگدلی و قاسم‌زاده،۷۲:۱۳۸۹). با این حال، نگارندگان تفاوتی بین روایت اسطوره‌ای و رمان اسطوره‌ای قایل نشده‌اند و در جایی نیز اسطوره را علت انسجام ساختار روایی متن دانسته‌اند که البته این نظر چندان دقیق به نظر نمی‌رسد.

نویسندگان مقاله‌ی «به سوی ترسیم مرزهای ناپیدای انسان‌شناسی و ادبیات: یوسا و رمان انسان‌شناسانه»، از رمان *مردی که حرف می‌زند* اثر ماریو بارگاس یوسا با عنوان رمان پژوهشی نام برده‌اند و ضمن اشاره‌ی کلی به رمان آدم و حوا بر آن باورند که محمد محمدعلی نتوانسته است «تفاوت قواعد حاکم بر جهان رمان و قواعد حاکم بر جهان علم را دریابد» (پرستش و زندی،۷۵:۱۳۸۵). گفتنی است نویسندگان نه تنها مقایسه‌ی دقیق میان رمان یوسا و محمدعلی انجام نداده‌اند، بلکه به بیان جزئیات ادعای خود و علل ابراز این دیدگاه نیز نپرداخته‌اند.

**روش کار** در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش‌برداری انجام گرفته است . نگارنده با محمد محمدعلی گفت‌وگوها و مصاحبه‌های حضوری و تلفنی و مشورت‌هایی از طریق نشانی الکترونیکی و وبگاه شخصی انجام داده است.

نگارنده ضمن مطالعه‌ی کتاب‌ها، مقالات و دیگر منابع و مطالبی که استادان محترم پیشنهاد کرده‌اند، برخی مقالاتی که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ به صورت پراکنده در مجلات و روزنامه‌ها درباره‌ی رمان‌های سه‌گانه به چاپ رسیده بود، با نهایت لطف و اکرام از کتابخانه‌ی شخصی محمد محمدعلی در اختیار گرفت.

نگارنده در تدوین رساله، نخست به کلیاتی درباره‌ی تعریف، پیدایش و گونه‌های رمان پرداخته و در شرح احوال محمدعلی ورمان‌های سه‌گانه‌اش به اختصار سخن گفته است. سپس، چهار عنصر داستان که در رمان‌های سه‌گانه‌ی روز اول عشق برجسته‌تر می‌نموده، بررسی شده

است تا هنر نویسنده در خلق رمان نشان داده شود. هر یک از این عناصر داستانی به صورت موازی در رمان‌های سه‌گانه بررسی شده است. در بخش دیگر، نگارنده کوشیده است بن‌مایه‌ها و ویژگی‌های مختص رمان‌های سه‌گانه‌ی محمدعلی را به دقت بکاود. در پی این مباحث، نهایتا تعریفی از رمان پژوهشی به دست داده شده و پیوندش با دیگر انواع رمان نیز بازگو شده است.

لازم به یادآوری است در تقدیم و تأخر ریزفصل‌ها اهمیت مباحث و پیوستگی آن با مباحث قبل و بعد مدنظر بوده است.

روش ارجاع به رمان‌های سه‌گانه با استفاده از نام کتاب و شماره‌ی صفحه است؛ مثلا اگر از صفحه‌ی ۱۵۶ رمان *آدم و حوا* نقلی صورت گرفته به این شکل به آن اشاره شده است: (آدم و حوا،۱۵۶). این کار جهت سهولت در دست یافتن به رمان‌های مذکور و پرهیز از تکرار نام نویسنده صورت گرفته است. در ارجاع گفت‌وگوهایی که با محمد محمدعلی انجام شده و موارد مشابه، با مشورت استاد راهنما از نام مصاحبه شونده در ارجاع درون متنی استفاده شد. در بقیه‌ی موارد به شیوه‌ی ارجاع‌نویسی تدوین رساله عمل شده است.

از استاد راهنمای این تحقیق جناب آقای دکتر اکبر شامیان ساروکلائی که با کمال حوصله و صبر و با دقت نظر فراوان به راهنمایی اینجانب پرداختند بی‌نهایت سپاسگزارم. از جناب آقای دکتر مرادعلی واعظی که زحمت مشاوره‌ی این تحقیق را بر عهده داشتند تشکر می‌کنم. از آقای دکتر ابراهیم محمدی و آقای دکتر محمد حسینایی که زحمت داوری پایان نامه را بر عهده داشتند، سپاس فراوان دارم. و از جناب آقای محمد محمدعلی سپاسگزارم که صمیمانه با بنده همکاری نمودند و برخی منابع را که به آن دسترسی نداشتم در اختیار من گذاشتند.

## ۱. کلیات و تعاریف

این بخش نگاهی اجمالی به نوع ادبی رمان شامل تعریف، پیدایش و انواع آن دارد، و تعریفی از چهار عنصر داستانی که در رمان‌های سه‌گانه‌ی روز اول عشق بررسی شده به دست می‌دهد. همچنین سابقه‌ی نویسندگی محمدعلی را برای آشنایی دقیق‌تر بیان می‌کند.

### ۱-۱. تعریف رمان

رمان در حالی در جامعه‌ی غرب ظهورکرد که انواع شناخته شده‌ی ادبیِ آن زمان عبارت بود از:«۱- نوع حماسی Epic ۲- نوع غنایی Lyric ۳- نوع نمایشی Dramatic»(شمیسا،۱۳۸۳:۳۳). برای به وجود آمدن یک نوع ادبی و یا از بین رفتن نوع دیگر در یک مقطع زمانی خاص، تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌شود.«تحلیل روان‌شناختی و کشف گفتمان غالب بر روحیه و روان انسان‌های همان دوره» (گرجی،۱۳۸۸: ۱۹۱) از جمله‌ی این تحلیل‌هاست. پل تیلیش به بررسی گفتمان‌های غالب در هر عصری پرداخته و اضطرابِ پوچی و بی‌معنایی را اضطراب معنوی این عصر دانسته است، بنا بر نظر وی «نوع ادبی غالب بر گفتمان ادبی این عصر و مرتبط با این دوره، رمان و داستان است. بر این مبنا اضطراب اخیر در عصر جدید و پناه به رمان و داستان می‌تواند دریچه‌ای به سوی معنایابی انسان معاصر پنداشته شود» (همان،۱۹۴). می‌توان به دلایل دیگری نیز در به وجود آمدن نوع ادبی در دوره‌ای خاص اشاره کرد، مثلا عده‌ای دیگر رمان را محصول دوران سرمایه‌داری می‌دانند.

از نظر باختین رمان جوان‌ترین عضو انواع اساسی ادبی است (تودوروف،۱۳۷۷: ۱۶۷). در حالی که انواع دیگر از دوران‌های پیش از رمان در جامعه بوده‌اند و منتقدان و نظریه‌پردازان ادبی با آشنایی کامل تعریفی برای هرکدام از آن‌ها ارائه می‌داده‌اند. جوان بودن نوع رمان از عواملی است که هنوز تعریف واحدی که مورد قبول نویسندگان و منتقدان و همینطور شامل تمام انواع رمان باشد ارائه نشده است و «نکته‌ی اساسی این است که رمان، برخلاف دیگر انواع ادبی از قانون‌نامه‌ای برخوردار نیست» (همان،۱۶۶).

ارائه‌ی تعریفی جامع از رمان که شامل تمام انواع رمان باشد آسان نیست.«رمان از آغاز پیدایش آن با تمایلی قوی بر ضد تعاریف رسمی به میدان آمد. بنابر این، مشکل بتوان رمـان را با نوع کارکرد، شکل و یا تأثیری که می‌خواهد بر خواننده بگذارد و یا نوع ارتباطی کـه بـا دیگـر رمان‌ها دارد، تشخیص و تمییز داد» (الشکری،۱۳۸۶: ۹۷).

افراد بسیاری سعی در تعریف رمان داشته‌اند اما هرکدام از تعاریف فقط یک یـا چنـد نـوع از رمان را در بر می‌گیرد. رمان «روایت منثور خلاقه‌ای که معمـولا طـولانی و پیچیـده اسـت و بـا تجربه‌ای انسانی همراه با تخیل سروکار دارد و از طریق تـوالی حـوادث بیـان مـی‌شـود و در آن گروهی از شخصیت‌ها در صحنه‌ی مشخصی حضور دارند» (میرصادقی و ذوالقدر،۱۳۸۸: ۱۴۱).

یکی از تعاریف مشهور رمان، از ویلیام هزلیت است. او می‌گوید:«رمـان داسـتانی اسـت کـه براساس تقلیدی نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشـری نوشـته شـده باشـد و بـه نحوی از انحا شالوده‌ی جامعه را در خـود تصـویر و مـنعکس کنـد» (میرصـادقی،۱۳۶۵: ۴۰۱). درحالی‌که این تعریف را فقط بر رمان‌های واقع‌گرایانه می‌توان تطبیق داد.

یکی دیگر از علت‌های دشواری تعریف رمان اختلاف در طول و اندازه‌ی رمان اسـت، برخـی رمان را بیش از چهل هزار کلمه و برخی دیگر پنجاه هزار کلمه می‌دانند و این رقم در رمـان‌هـا متفاوت است. دلیل دیگر دشواری تعریف رمان این است که زبان رمان، زبـان نثـر اسـت و ایـن زبانی است که به هنگام صحبت کردن و نوشتن از آن اسـتفاده مـی‌شـود؛ درحـالی کـه شـعر و نمایشنامه را به راحتی می‌توان از متن آن تشخیص داد، اما زبان نثر در تمام کتاب‌هـای تـاریخ، جامعه شناسی وغیره مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین به نثـر بـودن مـتن رمـان نمـی‌توانـد امتیازی برای تمایز آن از دیگر انواع ادبی باشد.

در این‌جا به برخی از شاخصه‌های صوری و ساختاری رمان اشاره می‌گردد:

الف- رمان‌ها روایت‌هایی داستانی (خیالی)اند کـه بـه نثـر نوشـته مـی‌شـوند؛ ب- رمـان‌هـا برخلاف قصه‌ها و داستان‌های کوتاه، طولانی‌اند و حجمی بیشتر از چهل هـزار کلمـه دارنـد؛ ج- همگی رمان‌ها، از شخصیت‌ها، حوادث وعمل‌های متعدد و همچنین از صحنه و طـرح داسـتانی تشکیل می‌شوند؛ د- حوادث رمان‌ها از توالی و منطق علی و معلولی تبعیت می‌کنند؛ ه- رمان‌ها از تخیل نویسنده در خلق شخصیت‌ها، حوادث و...سرچشمه می‌گیرند، با این توضیح کـه عنصـر

تخیل در خدمت بازسازی واقعیت است نه در گریز از آن. به گونه‌ای که حتی‌الامکان طبیعی، زنده و قابل قبول باشد (غلام،۱۳۸۱: ۴۳). این شاخصه‌ی آخر بیشتر درباره‌ی رمان تاریخی صدق می‌کند و این در حالی است که نظر میلان کوندرا درباره‌ی رمان این است که «رمان هستی را می‌کاود، نه واقعیت را و هستی آنچه روی داده است نیست، هستی عرصه‌ی امکانات بشری است، هر آنچه انسان بتواند آن شود، هر آنچه انسان قادر به واقعیت بخشیدن به آن باشد» (کوندرا،۱۳۷۷ الف: ۱۰۰)

از دیگر ویژگی‌های مهم رمان جنبه‌ی سرگرمی آن می‌باشد.«این خاصیت اصلی و اساسی رمان است که بدون آن، هیچ یک از خصوصیات دیگرش فایده ندارد. هیچ آدم باشعوری، رمان را برای تعلیم گرفتن یا تهذیب اخلاق نمی‌خواند» (موآم،۱۳۶۴: ۱۲).

کاترین لور در کتاب *هنر شناخت رمان* اظهار می‌کند که نباید هیچ تعریفی از رمان، معنی واژه‌ی رمان را نادیده بگیرد؛ رمان یعنی جدید (لور،۱۳۸۱: ۳۴). واژه‌ی Novel در انگلیسی هم به معنای رمان و هم به معنای تازه است. در نهایت لور با برشمردن ویژگی‌های خاص رمان، این تعریف را بیان می‌کند: «رمان نثری است روایی و در قالب نوشتار با حجم نسبتا زیاد که خواننده را به دنیای خیالی می‌برد و چون این دنیا را نویسنده آفریده تازگی دارد» (همان، ۱۹).

### ۱-۲.پیدایش رمان

سال ۱۶۰۵.م در دنیا با نام دن کیشوت اثر سروانتس در بین نویسندگان و پژوهشگران ادبی شهرت دارد.«پیش از دن کیشوت، اثری در چنین قالب هنری در فرهنگ‌های ادبی جهان پیدا نمی‌شود. پیش از این کتاب حماسه‌های منثور و منظوم و لطیفه‌ها و حکایت‌هایی بر سبیل تمثیل، قصه‌های عامیانه و اساطیر و افسانه‌های خدایان بسیاری چون ایلیاد و ادیسه‌ی هومر و رمانس‌ها(Romance)ـ قصه‌های خیالی منثور یا منظوم که به وقایع غیر عادی یا شگفت‌انگیز توجه کند و ماجراهای عجیب و غریب و عشقبازی‌های اغراق‌آمیز یا اعمال سلحشورانه را به نمایش گذارد ـ موجود بود که از نظر محتوا و کیفیت ساختمانی با رمان به مفهوم امروزی آن تفاوت بسیار داشت» (میرصادقی،۱۳۶۵: ۳۸۶).

نوشته‌ای که ما امروز آن را رمان می‌نامیم با *رابینسون کروزوئه* اثـر دانیـل دفـو در سـال ۱۷۱۹ شناخته شد. بعد از آن نویسندگان زیادی با رمان‌های متفاوتی پا به عرصه‌ی رمان‌نویسی گذاشتند، به طوری که امروزه شاهد انواع مختلفی از رمان هستیم. رفته رفته رمـان تبـدیل بـه نوع ادبی غالب، ابتدا در اروپا و سپس در جوامع دیگر شد «به عنـوان نمونـه در سـال ۱۹۶۸ در مجموع ۳۱۴۲۰ کتاب در انگلستان چاپ شده است که از این تعداد ۲۰۹۴ عدد از آن‌هـا رمـان بوده است» (سلیمانی،۱۳۶۹:۸۴).

«رمان نوع ادبی خاصی است که اساسا در عصر جدیـد،یعنی مـدرن، و در یـک محـدوده‌ی جغرافیایی خاص، یعنی اروپای غربی، به دنیـا آمـده. بـا ایـن اسـتثنا کـه در چـین و بعضـی از کشورهای کهنسال نیز که وارث تمدن و فرهنگ بزرگی بوده‌اند رمان جایگاه مناسبی برای رشد و نمو یافته است» (ژنس،۱۳۷۹: ۵).

از نظر بسیاری از صاحب‌نظران، رمان نوع ادبی ممتاز جامعـه‌ی فرانسـه پـس از انقـلاب است. امتیاز ویژه‌ی رمان، این است که برای اولین بار ادبیات از قید طبقـات اشـرافی و مـذهبی بیرون آمد و به توده‌ی مردم پرداخت. محتـوای آثـار دگرگـون شـد و احساسـات فـردی جـای احساسات جمعی را گرفت.«در حال حاضرشکل ادبی که قدرتش به بزرگی قـدرت رمـان باشـد وجود ندارد. می‌توان در آن به شیوه‌ای به غایت دقیـق، از طریـق احسـاس بـا عقـل، بـه ظـاهر بی‌معنی‌ترین وقایع روزمره، اندیشه‌ها، کشف و شهودها، به ظاهر غریب‌تـرین رؤیاهـا نسـبت بـه زبان روزمره را به هم پیوند زد» (بوتور،۱۳۷۹: ۲۴).

«در دهه‌ی پس از جنگ جهانی دوم، شماری از منتقدان اظهـار کردنـد کـه شـاید مـرگ رمان فرا رسیده باشد»(مـارتین،۱۳۸۲: ۶)؛ نخسـتین بـار، تـی اس الیـوت شـاعر و نویسـنده‌ی انگلیسی آن را مطرح کرد؛ عده‌ای از او پیروی و عده‌ای دیگر این نظر را به دلیل توجه روزافزون مردم به خواندن رمان و حضور نویسندگان رمان‌نویس در عرصه‌ی داستان رد کردند.

### ۱-۳. انواع رمان

رمان امروزه انواع گوناگونی دارد. اگرچه از نظر باختین هر رمان در خود یک نوع ادبی است. هر رمان یک پدیده‌ی خاص است و ذات رمان نیز در همین نهفته است (تودوروف،۱۶۶:۱۳۷۷). در پی افزایش گونه‌های رمان تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گرفت. منتقدان تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای انواع رمان در نظر گرفتند. عده‌ای باتوجه به سبک ویژه‌ی رمان‌ها آن‌ها را در گروه‌های خاصی جای دادند. عده‌ای با توجه به مکتب‌های گوناگون رمان‌ها را طبقه‌بندی کردند و بعضی نیز موضوع رمان‌ها را مدنظر قرار دادند. با مراجعه به دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های ادبی می‌توان به مطالعه‌ی انواع رمان پرداخت.

فرهنگ توصیفی ادبیات، فرهنگ اصطلاحات ادبی، فرهنگ توصیفی نقد ادبی، واژه‌نامه‌ی هنر داستان‌نویسی و منابع بسیار دیگری، انواع رمان را نام برده و توضیحاتی برای هرکدام از این انواع داده‌اند. از معروف‌ترین انواع رمان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- رمان اجتماعی (Socialogical Novel): این رمان در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم به وجود آمد. توجه اصلی این نوع رمان، به ماهیت جامعه و نفوذ آن بر شخصیت‌های داستان است. رمان اجتماعی خواننده را از برخی کمبودهای اجتماع آگاه می‌کند و نظریه‌ای را به عنوان راه حل طرح می‌کند، البته این رمان به هیچ وجه رمان تبلیغی نیست. تحلیل و بررسی جدی مسائل اجتماعی، هنگامی جزء یکی از ارکان رمان‌ها درآمد که انقلاب صنعتی به وقوع پیوست (سلیمانی،۱۳۶۹: ۲۵).

- رمان پیکارسک (picaresque Novel): نوعی وقایع نامه و شرح احوال است. با لحنی آمیخته به هجو و طنز زندگی آدم شیاد و رندی از طبقات پایین جامعه را بیان می‌کند در حالی که این شخص با افراد مختلفی برخورد می‌کند و با حقه بازی و دریوزگی زندگی می‌گذراند. رفتارهای شخص پیکارو (رند و شیاد) به نویسنده امکان هجو و تمسخر جامعه را می‌دهد. این نوع رمان برای اولین بار در اسپانیا رواج یافت. آقای جمال میرصادقی رمان پیکارسک را شبیه به قصه‌های بلند فارسی می‌داند از این نظر که تمرکز قصه بیشتر بر حوادث داستان است نه بر قهرمان و دیگری شباهت پیکارو با عیار که هردو از طبقه‌ی زیردست و ندار هستند البته خصلت جوانمردی عیارها آنان را متمایز می‌کند (میرصادقی،۱۳۶۵: ۴۱۳).

● رمان تاریخی(Historical Novel): نوعی رمان است که پیرنگ آن از تاریخ گرفته شده و در آن حوادث نقش مهمی را بر عهده دارند. رمان تاریخی لزوما حوادث واقعی را نقل نمی‌کند، بلکه حوادث آن می‌تواند کاملا خیالی بوده، ولی بر پایه‌ی طرحی تاریخی و حقیقی بنا شده باشد. رمان تاریخی از خلال سرنوشت‌ها و مقدرات عبرت‌انگیز شخصی (بدین معنی رمان است)، مسائل و مشکلات یک دوره و برهه از زمان را بیان می‌کند(بدین معنی تاریخی است) (کهنمویی‌پور و دیگران: رمان تاریخی). فورستر می‌گوید:«وظیفه‌ی رمان‌نویس این است که زندگی درون را در سرچشمه‌ی آن بر خواننده آشکار سازد: یعنی چیزهایی بیش از آنچه بتوان دانست درباره‌ی ملکه‌ی ویکتوریا به ما بگوید و بدین ترتیب شخصیتی بسازد که ملکه‌ی ویکتوریای تاریخ نباشد» (فورستر، ۱۳۸۴: ۶۵).«اگر رمان را دروازه‌ی ورود به جهان مدرن بدانیم، رمان تاریخی دروازه‌ی ورود به جهان رمان معاصر خواهد بود» (غلام،۱۳۸۱: ۱۹).

●رمان حادثه‌ای(Novel of Incident): در این نوع از رمان شخصیت‌ها تابع حوادث داستان هستند، حوادثی که پشت سر هم اتفاق می‌افتد و گاهی حتی پیوند منطقی هم با یکدیگر ندارند. نخستین رمان‌های حادثه به پای دانیل دفو نوشته شده است یعنی رمان‌هایی که به عنوان نخستین رمان‌ها نیز شناخته شده هستند. رابینسون *کروزوئه* و *مول فلاندرز*، این دو رمان با وجودی که از نظر ساختمان پیکارسک گونه‌اند اما حوادث بی ربط و پشت سر هم که در آن اتفاق می‌افتد و خواننده را بیشتر به دنبال اتفاقات می‌کشاند تا شخصیت، سبب شده از آن‌ها به عنوان نخستین رمان‌های حادثه یاد شود (سلیمانی،۱۳۶۹: ۳۹).

● رمان روانی(Psychological Novel): در آن از مسائل ذهنی و روانی قهرمان یا قهرمانان داستانی سخن می‌رود. این نوع رمان امروزه با پیشرفت دانش روانشناسی و روانکاوی، رواج بسیار یافته است. نمونه‌ی آن برخی از آثار جویس و ولف و صادق هدایت مثلا *بوف کور* است ( شمیسا،۱۳۸۳: ۱۷۶).

●رمان جریان سیال ذهن(The stream of consciousness): برخی آن را نوع جدیدتر رمان روانی می‌دانند. اصول مشترکی بین رمان‌های جریان سیال ذهن وجود دارد: هستی بشر در فعالیت‌های ذهنی و درون او جریان دارد. این وجود ذهنی بدون روال منطقی و از هم گسیخته است؛ پس رمان‌نویس فقط با جهان درونی اشخاص سروکار دارد و عرصه‌ی کار او

فضای ذهنی اشخاص است. بدون هیچ نظم وترتیبی افکار و احساسات را بیان می‌کند (میرصادقی،۱۳۶۵: ۴۱۶).

●رمان محلی(Localcolour Novel) : تکیه‌ی آن بر آیین و رسوم و لهجه‌ی شهرها و ولایات است نه به این قصد که صبغه‌ی محلی پیدا کند بلکه به این جهت که تأثیر اوضاع و احوال و عوامل محلی را بر کردار و رفتار شخصیت‌های داستان نشان دهد و نحوه‌ی تفکر و احساسات قهرمانان داستان را با توجه به زمینه‌ها و مایه‌های محلی تعیین نماید. مثال اینگونه رمان، *ایالت یوکنا پاتافا* اثر فاکنر و برخی از آثار رسول پرویزی و صادق چوبک است (شمیسا،۱۳۸۳: ۱۷۶). برای اینکه بفهمیم رمان محلی است یا نه باید ببینیم که آیا می‌توان حوادث و اشخاص رمان را بدون اینکه به داستان لطمه‌ای اساسی وارد شود در محیط یا شرایط دیگری گذاشت یا نه.

●رمان مکاتبه‌ای(Epistolary Novel): در این نوع از رمان، روایت داستان به طور کامل از طریق نامه‌های یک یا چند نفر انجام می‌شود. رمان مکاتبه‌ای از سال۱۷۴۵ زمانی که ساموئل ریچاردسون رمان *پاملا* را نوشت رواج یافت (سلیمانی،۱۳۶۹: ۶۴).

انواع دیگر رمان عبارتند از: رمان سیاسی(Political Novel)، رمان رشد و کمال(Apprenticeship Novel)، رمان شخصیت(Novel of character)، رمان زمین(The novel of the soil)، رمان تبلیغی (Propaganda Novel)، رمان پلیسی(Detetive Novel)، رمان عاشقانه‌ی پر ماجرا(Romantic Novel)، رمان تجربی(Experimental Novel)، رمان گوتیک (Gothic Novel).

هدف از پرداختن به بحث انواع رمان بررسی ژانر جدیدی به نام رمان پژوهشی است؛ مطالعه‌ی انواع رمان در پیدا کردن ویژگی‌های مشترک این ژانر با برخی انواع رمان و یا نزدیک بودن آن به بعضی گونه‌های رمان کمک می‌کند.

### ۱-۴. عناصر داستان

از جمله کارهای این تحقیق بررسی عناصر داستان در رمان‌های سه‌گانه‌ی روز اول عشق است. با مطالعه‌ی رمان‌ها تصمیم بر این شد که چهار عنصر برجسته‌ی داستانی در این رمان‌ها بررسی شود. در این بخش به معرفی این عناصر پرداخته شده است.

**ـ شخصیت:** «شخصیت در یک اثر نمایشی یا روایی فردی است دارای ویژگی‌های اخلاقی و ذاتی که این ویژگی‌ها از طریق آنچه انجام می‌دهد- رفتار- و آنچه که می‌گوید- گفتار- نمود می‌یابد. زمینه‌ی چنین رفتار یا گفتاری انگیزه‌های شخصیت را بازتاب می‌دهد» (مستور،۱۳۷۹:۳۳). «خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه‌ی داستان یا نمایشنامه و فیلم‌نامه تقریبا مثل افراد واقعی جلوه می‌کند، شخصیت‌پردازی می‌نامند» (میرصادقی و ذوالقدر،۱۳۸۸: ۱۹۹).

**ـ زاویه‌ی دید**: (دیدگاه) «نمایش‌دهنده‌ی شیوه‌ای است که نویسنده به کمک آن مصالح و مواد داستانی خود را به خواننده ارائه می‌کند و رابطه‌ی نویسنده را با داستان نشان می‌دهد. زاویه‌ی دید یا درونی است یا بیرونی. در زاویه‌ی دید درونی، گوینده‌ی داستان یکی از شخصیت‌های داستان است و داستان به شیوه‌ی اول شخص نقل می‌شود. اگر راوی شخصیت اصلی داستان باشد، راوی- قهرمان و اگر شخصیت فرعی باشد راوی- ناظر نامیده می‌شود» (ذوالقدر،۱۳۸۲: ۳۵۸).

این شخصیت که می‌تواند اصلی و یا فرعی باشد، به دلایل روان‌شناسانه مخاطب را با سهولت بیشتری در متن داستان فرو می‌برد. در واقع خواننده احساس می‌کند که یکی از اشخاص داستان در حال گفت وگو و نقل داستان برای اوست. از این رو به این دیدگاه، دیدگاه درونی هم می‌گویند. (مستور،۱۳۷۹: ۴۲) اما «در دیدگاه بیرونی نویسنده به قالب شخصیت‌ها می‌رود و خصوصیت‌های روحی و خلقی آن‌ها را تشریح می‌کند و از گذشته و حال و آینده‌ی آن‌ها خبر می‌دهد» (ذوالقدر،۱۳۸۲:۳۵۸).

به عقیده‌ی برخی «انتخاب بین راوی سوم شخص و راوی اول شخص الزاما انتخابی قطعی و تعیین‌کننده برای مؤلف پیش از آغاز نوشتن نیست. در واقع می‌توان در متنی واحد هم راوی سوم شخص داشت و هم راوی اول شخص» (لوته،۱۳۸۸: ۳۵).

**ـ زبان:** «زبان، شیوه‌ی سخن گفتن نویسنده است در داستان. این شیوه می‌تواند از سوی راوی و یا خود نویسنده اختیار شود.گرچه عناصر تشکیل‌دهنده و یا تأثیرگذار در خلق زبان متنوع است اما برخی نویسندگان با آمیزه‌ای از این عناصر به زبانی دست می‌یازند که نوشته‌ی آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند. عناصری که به زبان هویت می‌دهند طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند که در یک سوی آن قواعد دستوری یا صرف و نحو زبان قرار دارد، در میانه‌ی آن آرایه‌های زبانی نظیر استعاره، تمثیل، تشبیه، نماد، اسطوره، کنایه، قیاس، اطناب و ایجاز و در انتهای دیگر آن کارکردهایی نظیر طنز، توصیف و گفت‌وگو. پیداست که با این همه مصالح امکان خلق گونه‌های مختلف زبانی وجود دارد. وقتی گفته می‌شود زبان داستان نمادین، استعاری، موجز، توصیفی، کنایی، طنزآلود و یا محاوره‌ای است اشاره به یکی از عناصر مسلط زبان بر روایت است» (مستور،۱۳۷۹: ۵۱).

**ـ زمان و مکان:** «زمان و مکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند. کاربرد درست صحنه بر اعتبار و قابل قبول بودن داستان می‌افزاید و انتخاب درست مکان وقوع داستان به حقیقت‌مانندی آن کمک می‌کند» (میرصادقی و ذوالقدر،۱۳۸۸: ۲۱۸).

### ۱-۵. محمد محمدعلی

**محمد محمدعلی** در اردیبهشت ۱۳۲۷ در تهران متولد شد. او پس از اخذ دیپلم و پایان نظام وظیفه وارد مدرسه‌ی عالی علوم اجتماعی شد و سپس با لیسانس علوم سیاسی و اجتماعی به استخدام سازمان بازنشستگی کشوری درآمد.

از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ سردبیری فصلنامه‌ی برج را عهده‌دار شد و بعد از آن نیز با مجله‌های دنیای سخن و آدینه همکاری کرد و سه ویژه‌نامه‌ی شعر و داستان مجله‌ی آدینه به